



## درس آشنایی با رجال و درایه استاد سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: 22 آبان ۱۳۹۰

مصادف با: 16 ذی الحجه ۱۴۳۲

جلسه: ۱۰

موضوع کلی: جوامع روایی

موضوع جزئی: کامل الزیارات

سال: دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### کتاب کامل الزیارات:

کتاب دیگری که اعتبار روایات آن باید مورد بررسی قرار گیرد کتاب کامل الزیارات است، ما تا اینجا در مورد اعتبار کتب اربعه و سپس درباره دعائم الاسلام، نوادر الحکمة و تفسیر علی بن ابراهیم بحث کردیم، چهارمین کتابی که مورد رسیدگی قرار می‌گیرد کتاب کامل الزیارات است، مؤلف این کتاب ابی القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه (م. ۳۶۸.ق) است، ایشان در نیمه دوم قرن چهارم از دنیا رفته است، البته در سال وفات ایشان اختلاف شده چرا که شیخ طوسی می‌گوید ابن قولویه در سال ۳۶۸ فوت کرده و مرحوم علامه می‌گویند ایشان در سال ۳۶۹ فوت کرده است. در مورد خود ابن قولویه توسط بزرگان علم رجال از جمله مرحوم شیخ و نجاشی، مدح و توثیق صورت گرفته است، نجاشی در مورد او می‌گوید: «و کان ابوالقاسم من ثقات اصحابنا و أجلائهم فی الحدیث و الفقه، روى عن ابيه و أخیه عن سعد و قال ما سمعتُ من سعد إلا اربعةً احادیث و علیه قرءَ شیخنا ابو عبدالله الفقه و منه حمل و کلّ ما به یوصف به الناس من جمیل و فقهٍ فهو فوقه»، می‌گوید: ابوالقاسم بن قولویه از بزرگان اصحاب ما است و از بزرگان فقه در حدیث و از بزرگان در فقه است، این جمله آخر دلیل خوبی بر وثاقت ابن قولویه است که نجاشی می‌گوید: هر چه که شما درباره مردم از نیکویی‌ها و زیبایی‌ها بگویید ابن قولویه فوق آن است که معلوم می‌شود شأن و منزلت مهمی داشته است، ابن قولویه کتاب‌های زیادی هم داشته که نجاشی می‌گوید یکی از کتاب‌های او کتاب الزیارات است.

شیخ طوسی درباره ابن قولویه می‌گوید: «جعفر بن محمد بن قولویه القمی یکنی ابالقاسم ثقة له تصانیف کثیرة علی عدد ابواب الفقه»؛ تعداد کتاب‌ها و تصانیف ابن قولویه به تعداد ابواب فقه است، ایشان یکی از کتاب‌هایی که از ابن قولویه نام می‌برد کتاب جامع الزیارات است که می‌گوید: «کتاب جامع الزیارات و ما روى ذلك من الفضل عن الأئمة (ع) و غیر ذلك و هی کثیرة»، طریق شیخ طوسی به ابن قولویه که در مشیخه و فهرست شیخ آمده طریق صحیحی است.

حاجی نوری در مستدرک الوسائل می‌گوید: ابی القاسم جعفر بن قولویه از مشایخ صدوق بوده در حالی که در کتاب‌های شیخ صدوق اسمی از او برده نشده؛ یعنی شیخ صدوق ابن قولویه را از مشایخ خودش نام نبرده گرچه به حسب طبقه امکان اخذ روایت از او هست چون فوت شیخ صدوق در سال ۳۸۱.ه. ق بوده و فوت ابن قولویه در سال ۳۶۸ بوده؛ یعنی

۱. رجال نجاشی، ...

این قولویه حدود ۱۳ سال زودتر از شیخ صدوق فوت کرده است، پس امکان اینکه شیخ صدوق از ابن قولویه روایت اخذ کرده باشد وجود دارد ولی ممکن است که چنین اتفاقی هم نیفتاده باشد چون صرف اینکه این دو در یک عصر بوده‌اند ملازمه ندارد با اینکه حتماً شیخ صدوق از ابن قولویه اخذ روایت کرده باشد.

تعبیر مختلفی مثل کامل الزیارات یا جامع الزیارات یا زیارات در مورد نام کتاب ابن قولویه شده است، نجاشی از آن به عنوان کتاب الزیارات نام برده، شیخ طوسی آن را کتاب جامع الزیارات نامیده و دیگران مثل حاجی نوری و از آن به عنوان کتاب کامل الزیارات یاد کرده‌اند اما این کتاب اکنون به کتاب کامل الزیارات شهرت دارد و از کتاب‌هایی است که قائل به وثاقت روات آن شده‌اند چون می‌گویند: مؤلف آن شهادت بر وثاقت راویان این کتاب داده است.

ابی القاسم جعفر بن قولویه در مقدمه کتاب می‌گوید: «و لم أخرج فيه حديثاً روى عن غيرهم إذا كان فيما رويناه عنهم من حديثهم (صلوات الله عليهم) كفاية عن حديث غيرهم و قد علمنا أننا لا نحيط بجميع ما روى عنهم في هذا المعنى و لا في غيره لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا (رحمهم الله برحمته) و لا أخرجت فيه حديثاً روى عن الشذاذ من الرجال يؤثر ذلك عنهم عن المذكورين غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث و العلم»<sup>۱</sup> عمده این جمله است که ایشان در مقدمه می‌گوید: وقتی روایت و حدیث از ائمه معصومین (ع) برای ما کافی است دلیلی وجود ندارد که از دیگران روایت نقل کنیم ولی تأکید می‌کند که: «لكن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا (رحمهم الله برحمته)...»، ما وقع به معنای ما وصل است؛ یعنی آنچه که از ناحیه ثقات از اصحاب به ما رسیده نقل می‌کنیم؛ یعنی در واقع شهادت می‌دهد که روایات کتاب او از ناحیه ثقات نقل شده و او از شذاذ الرجال روایت نقل نکرده است.

### **اقوال در وثاقت روات کامل الزیارات:**

اینجا بحثی واقع شده که آیا شهادت ابوالقاسم جعفر بن قولویه شامل همه روات کتاب می‌شود یا بعضی از روات را شامل می‌شود؟ در اینجا دو قول وجود دارد:

### **قول اول:**

عده‌ای معتقدند جمیع روات کتاب ثقه هستند و می‌گویند شواهدی وجود دارد که دلالت می‌کند مؤلف کتاب کامل الزیارات همه روات این کتاب را توثیق کرده و اساساً یکی از مواردی که می‌خواهند به عنوان مثال برای توثیقات عامه ذکر کنند کلام ابن قولویه در مقدمه کامل الزیارات است.

### **شواهد قول اول:**

**شاهد اول:** شاهد اول این است که عبارت خود ابی القاسم بن قولویه شامل همه کسانی است که در سند روایات واقع شده‌اند، منظور از همه، مشایخ ابوالقاسم بن قولویه و غیر مشایخ اوست.

۱. کامل الزیارات، ص ۴، مقدمه، چاپ نجف.

**شاهد دوم:** شاهد دوم این است که می‌گویند اگر قرار بر توثیق مشایخ به تنهایی باشد، معنایش این است که مشایخ ثقه هستند اما سایر روایات ثقه نبوده و ضعیف هستند که در این صورت توثیق مشایخ به تنهایی فایده‌ای ندارد چون روایتی که در نقل آن روایت فقط بعضی از اشخاص ثقه باشند و آن‌هم مشایخ باشند؛ یعنی کسانی که مستقیماً روایت را برای ابن قولویه نقل کرده باشند و بقیه ثقه نباشند مشکل پیدا می‌کند و قابل اعتماد نیست.

**شاهد سوم:** شاهد سوم تصریح ابن قولویه است به اینکه از رجال غیر معروف به روایت؛ یعنی از شذاذ الرجال، روایت نقل نکرده است.

**شاهد چهارم:** شاهد چهارم این است که اطلاق لفظ اصحاب بر مشایخ، خلاف اصطلاح است؛ چون ابن قولویه در مقدمه کتاب گفته: «لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من اصحابنا (رحمهم الله برحمته)» که عبارت اصحابنا، همه روایات را اعم از مشایخ و غیره شامل می‌شود و اگر قرار بود که فقط مشایخ را شامل شود باید می‌گفت: «لکن ما وقع لنا من جهة الثقات من مشایخنا»، پس اگر می‌خواست فقط مشایخ را توثیق کند کلمه اصحاب را بکار نمی‌برد و اطلاق کلمه اصحاب بر مشایخ خلاف اصطلاح است.

با توجه به این چهار شاهی که ذکر شده گفته‌اند شهادت مؤلف کتاب کامل الزیارات دلیل بر وثاقت همه روایات کتاب است.

### **قول دوم:**

گروهی قائلند که از روایات و رجال کتاب کامل الزیارات فقط مشایخ توثیق شده‌اند؛ یعنی فقط قائل به وثاقت مشایخ مؤلف کامل الزیارات هستند، مشایخ مؤلف کامل الزیارات (ابن قولویه) حدود ۳۲ نفر هستند یعنی فقط این ۳۲ نفر توثیق شده‌اند. این گروه هم برای ادعای خود شواهدی ارائه کرده‌اند.

### **شواهد قول دوم:**

**شاهد اول:** شاهد اول این است که به غیر از مشایخ ابوالقاسم جعفر بن قولویه بسیاری از رجالی که در اسناد روایات این کتاب واقع شده‌اند معروف و مشهور به علم و حدیث نبوده‌اند؛ یعنی افرادی در اسناد روایات ذکر شده‌اند که از شذاذ الرجال هستند.

**شاهد دوم:** شاهد دوم این است که نام بعضی از اشخاص در این کتاب ذکر شده که اصلاً در غیر این کتاب اسمی از آن‌ها برده نشده و تنها جایی که از آن‌ها روایت نقل شده کتاب کامل الزیارات است و عدم ذکر نام این اشخاص در غیر این کتاب با معروفیت و وثاقت آن‌ها سازگار نیست.

**شاهد سوم:** شاهد سوم این است که روایات بعضی از راویان و رجال این کتاب بسیار کم است؛ مثلاً فقط دو یا سه روایت از آن‌ها نقل شده است که این هم با معروف بودن در روایت سازگار نیست.

**شاهد چهارم:** شاهد چهارم این است که می‌گویند بعضی از روایات این کتاب از زنان نقل شده است.

**شاهد پنجم:** شاهد پنجم این که در سند بعضی از روایات کامل الزیارات روات ضعیفی مثل حسن بن علی بن عثمان و محمد بن مهران وجود دارند که ذکر این اشخاص ضعیف با توثیق جمیع روات کتاب سازگار نیست.

**شاهد ششم:** شاهد ششم این که بعضی از روایات کتاب مقطوع السند هستند و بعضی دیگر اصلاً به معصوم (ع) منتهی نمی-شوند. البته این غیر از مسئله توثیق است و ضعیفی است در کتاب و مؤیدی است بر اینکه توثیق، شامل غیر مشایخ نمی-شود.

پس یک قول این است که توثیق مؤلف کتاب کامل الزیارات شامل همه روات این کتاب است و قول دیگر این است که توثیق مؤلف کتاب فقط شامل مشایخ می‌شود.

ظاهراً ثمره عملی بر این نزاع مترتب نیست، فقط اگر مشایخ توثیق شوند و از آن‌ها نقل شود گویا مسئولیت نقل روایت را به عهده خود مشایخ گذاشته‌اند؛ چون مشایخ، ثقه و مورد اطمینان هستند و گویا به واسطه وثاقت مشایخ و اطمینانی که به مشایخ داشته‌اند روایات او را پذیرفته‌اند؛ یعنی گویا مشایخ مؤلف کتاب، راویان آن روایات را ثقه می‌دانسته‌اند.

### **نظر برگزیده:**

به نظر می‌آید که در مجموع، شواهد دال بر قول دوم اقوی از شواهد قول اول باشد؛ یعنی مؤلف کتاب کامل الزیارات در واقع مشایخ خودش را توثیق می‌کند و گرنه وجود بعضی روات ضعیف در این کتاب یا نقل روایت از بعضی از اشخاص که فقط در این کتاب نام آن‌ها ذکر شده و در جاهای دیگر اسمی از آن‌ها برده نشده سازگاری ندارد با اینکه همه روات کتاب، ثقه باشند، مجموع شواهد و قرائن نشان می‌دهد که نمی‌توانیم ملتزم شویم به اینکه کلام مؤلف در مقدمه کتاب شهادت بر وثاقت همه روات کتاب است.

یک نکته را توجه داشته باشید که ما در همه مواردی که بحث توثیق عام را مطرح می‌کنیم بر فرض که بپذیریم شهادت بر وثاقت روات، وثاقت آن‌ها را ثابت می‌کند در صورتی می‌توان به آن تکیه کرد که معارض نداشته باشد چون اگر در مقابل آن معارضی باشد به نظر می‌رسد که شهادت بر وثاقت نمی‌تواند برای وثاقت روات کافی باشد.

بهرحال به نظر می‌رسد کتاب کامل الزیارات با توجه به شأن و منزلت مؤلف کتاب و توثیقی که توسط بزرگان علم رجال در حق او وارد شده کتاب مهمی است و از شأن بالایی برخوردار است اما این به این معنا نیست که همه روایات کتاب کامل الزیارات معتبر باشند.

«والحمد لله رب العالمین»